



آشپزخانه و کتابخانه ملی ایران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



عقلانیت در روایتی زنانه

(گفتمان غربی)

مریم صانع پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اشارات
دانشگاه ادیان و مذاهب

.....
۱۳۹۸

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ

وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ

عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

(حجرات: ۱۳)



Saneapour, Maryam.

: صانع پور، مریم، ۱۳۳۳-

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور : عقلانیت در روایتی زنانه (گفتمان غربی)/ مریم صانع پور.

مشخصات نشر : قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری : ۳۰۲ ص.

فروست : انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب؛ ۱۹۶.

شابک : 978-600-6730-81-3

وضعیت فهرست نویسی : فیا.

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : عقل گرایی -- فلسفه.

موضوع : Rationalism – Philosophy.

موضوع : فمینیسم -- نگرش ها.

موضوع : Feminist– theory.

موضوع : دین -- فلسفه.

موضوع : Religion – Philosophy.

شناسه افزوده : دانشگاه ادیان و مذاهب.

رده بندی کنگره : ۱۳۹۸ ۲۷ص/ ۸۳۳B

رده بندی دیویی : ۱۴۹/۷

شماره کتابشناسی ملی : ۵۸۹۰۹۸۶

عقلانیت در روایتی زنانه

(گفتمان غربی)

مریم صلح پور



آشادات دانشگاه ادیان و مذاهب
معاونت پژوهش



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



قم، پردیسان، روبه‌روی مسجد امام صادق (علیه السلام)، دانشگاه ادیان و مذاهب.
تلفن: ۱۳ - ۲۶۱۰ ۳۲۸۰ (۰۲۵)، ۳۱۷۱ ۳۲۸۰ (۰۲۵)
تلفکس مرکز بخش و فروش: ۳۲۸۰ ۶۶۵۲ (۰۲۵)
فروشگاه اینترنتی:

www.urd.ac.ir www.Press.urd.ac.ir press@urd.ac.ir

عقلانیت در روایتی زنانه (گفتن‌ان غربی)

- مؤلف: مریم صانع‌پور
- ناشر: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
- نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۸
- چاپ: مؤسسه بوستان کتاب
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۳۰-۸۱-۳

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

فهرست

فهرست	۵
مقدمه	۱۱
فصل اول: نسبت عقل و جنسیت در نگاه اسطوره‌پردازان و فیلسوفان یونان باستان	
۱. اسطوره‌های یونان باستان	۲۱
۱-۱. اسطوره آفرینش	۲۳
۲-۱. اسطوره خدایان	۲۴
۳-۱. نقش‌های زنانه در اسطوره‌های یونانی	۲۷
۲. فلسفه یونان باستان	۳۰

فصل دوم: عقلانیت غربی در بوته نقد

مقدمه	۳۵
۱. عقل مردانه	۳۷
۲. ویژگی‌های فلسفه دوره روشنگری از نظر پسامدرن‌ها	۳۹
۳. تباهی فلسفه مدرن از نظر پست‌مدرنیسم و فمینیسم	۴۲
۴. چالش‌های عقل مدرن	۴۵
۴-۱. بساطت، خودمحوری و مردگرایی	۴۵
۴-۲. تعالی و خشتی بودن	۵۱
۵. بحران در علوم مدرن	۵۴

فصل سوم: عقل در فلسفه‌های فمینیستی

مقدمه	۶۱
۱. عقل، فلسفه و زنانگی	۶۴
۲. شنیده نشدن صداهای زنانه در فلسفه	۶۷
۳. شکل‌گیری فلسفه‌های فمینیستی	۶۹
۴. ورود مفاهیم فمینیستی به جریان فلسفی	۷۳
۵. تعهدات فلسفی فمینیسم	۷۵

فصل چهارم: مقایسه فیلسوفان فمینیست با پسامدرن‌ها در مورد نقادی عقل مدرن

مقدمه	۸۱
۱. نظریه پردازی	۸۱
۲. ابژکتیویته	۸۵
۱-۲. عینیت ضعیف	۸۷
۲-۲. عینیت قوی	۸۸
۳. نسبی گرایی	۹۰
۴. جسمانیت	۹۲
۵. فردگرایی	۹۴
۶. نقادی اجتماعی	۹۶
۷. عدالت	۹۸
۸. سوژکتیویته	۱۰۰
۹. ذات گرایی	۱۰۱

فصل پنجم: نقد عقل مذکر توسط فمینیست‌ها

مقدمه	۱۰۵
۱. نقد سوژه مدرن	۱۰۷
۲. نقد دوگانگی ذهن و جسم	۱۰۹
۳. نقد مردانگی ذهن و زنانگی جسم	۱۱۴
۴. نقد فردگرایی	۱۲۵
۵. نقد اقتدارگرایی	۱۲۸
۶. نقد علم مدرن	۱۳۱
۷. نقد عقل اجتماعی مردسالارانه	۱۳۲
۸. نقد بیرون راندن زنان از تاریخ فلسفه	۱۳۷
۹. نقد معرفت‌شناسی جانبدارانه	۱۴۱

فصل ششم: عقلانیت و زنانگی در فلسفه‌های فمینیستی

مقدمه	۱۴۷
۱. فلسفه و مردانگی	۱۵۳
۲. فلسفه و دوگانگی‌ها	۱۵۶

۳. رفع تبعیض در فلسفه‌های فمینیستی	۱۵۹
۴. فلسفه‌های فمینیستی و موقعیت‌های سیاسی	۱۶۳
۱-۴. فمینیست‌های لیبرال	۱۶۳
۲-۴. فمینیست‌های رادیکال	۱۶۵
۳-۴. فمینیست‌های سوسیالیست	۱۶۷
۴-۴. فمینیست‌های رنگین‌پوست	۱۶۸
۵. نوآوری فلسفه‌های فمینیستی	۱۷۰
فصل هفتم: راه‌کارهای فیلسوفان فمینیست برای پایان‌بخشی به ماجرای عقل مذکر	
مقدمه	۱۷۳
۱. راه‌کارهای معرفت‌شناسانه فمینیستی	۱۷۵
۱-۱. عینیت قوی	۱۷۷
۲-۱. تبعیض‌ستیزی	۱۸۴
۳-۱. سوژه‌های متکثر جسمانی	۱۸۷
۴-۱. تأثیرات هگل بر معرفت‌شناسی دیدگاه فمینیستی	۱۸۹
۵-۱. معرفت‌شناسی تاریخی	۱۹۳
۶-۱. نقش زبان‌شناسی در معرفت	۱۹۵
۲. نقش شهود و اشتیاق در عقلانیت فمینیستی	۱۹۶
۱-۲. زن خردمند و پرشور، نماد عقلانیت فمینیستی	۱۹۸
۲-۲. عقل مادرانه در فلسفه‌های زنانه‌نگر	۲۰۱
۳. چشم‌اندازهای راهبردی فیلسوفان فمینیست	۲۰۳
۴. راهبردهای کلی فیلسوفان فمینیست	۲۰۷
۵. بحثی درباره فمینیسم اسلامی	۲۱۰
فصل هشتم: مردسالاری عقلانیت دینی و نظریه‌های دینی فیلسوفان فمینیست	
مقدمه	۲۱۵
۱. نقادی فلسفه دین توسط فیلسوفان فمینیست	۲۱۶
۱-۱. غرب‌محوری فلسفه دین مردسالارانه	۲۱۷
۲-۱. غیبت زنان از متون و الگوهای خداشناسانه و دینی	۲۱۸
۳-۱. نقادی زبان دینی مردسالارانه	۲۱۹

۴-۱.	مردانگاری خداوند و تأثیر آن بر سلطه‌پذیری زنان	۲۲۰
۵-۱.	اقتدار الهی و نظام اقتدار مردانه	۲۲۲
۶-۱.	دین مرگ‌بنیان یا دین تولدبنیان	۲۲۴
۷-۱.	دوگانه‌انگاری در فلسفه دین غرب	۲۲۵
۸-۱.	نقش نمادگرایی دینی در ساختارهای اجتماعی	۲۲۷
۲.	راه‌کارهای نظری فیلسوفان دین فمینیست	۲۲۸
۱-۲.	جوهره یا حقیقت الوهی	۲۲۹
۲-۲.	تجربه‌های عرفانی	۲۳۰
۳-۲.	فاعلیت عشق	۲۳۲
۴-۲.	آفرینندگی و خلاقیت	۲۳۳
۵-۲.	جمع‌گرا بودن وجود	۲۳۶
۶-۲.	تنوع تجربیات دینی	۲۳۸
۷-۲.	نقش جسمانیت در فلسفه دین	۲۴۰
۸-۲.	مفهوم فراجنسیتی خدا	۲۴۲
۹-۲.	تحولات پس‌اساختارگرایانه	۲۴۴
۱۰-۲.	نقش تجربیات زنان در فلسفه دین	۲۴۶
۳.	مسائل جدید فلسفه دین از منظری فمینیستی	۲۴۹
۱-۳.	نقش وجودشناسانه الگوهای زنانه در فلسفه دین فمینیستی	۲۵۱
۲-۳.	رویکردی جدید به فلسفه دین بر مبنای عقلانیتی جدید	۲۵۴
۳-۳.	فلسفه دین فمینیستی از منظری پس‌استعماری	۲۵۵
۴-۳.	به رسمیت شناختن صداهای متکثر دینی	۲۵۷
۵-۳.	فلسفه دین میان‌فرهنگی	۲۵۹
۶-۳.	زنانگی و جهانی‌شدن عقلانیت دینی	۲۶۰
۷-۳.	روایتی چندصدایی و فرادینی از فلسفه دین	۲۶۳
	فصل نهم: نتیجه‌گیری	۲۶۷
	کتاب‌نامه	۲۷۹
	فهرست اسامی و اصطلاحات	۲۹۳

سخن ناشر

موضوع عقلانیت و زنانگی یکی از مهم‌ترین موضوعات در بحث‌های بنیادین مطالعات زنان در گذشته و حال است. آنگونه که از سنت‌های دینی و فرهنگی و اجتماعی روزگاران قدیم و جدید در نقاط مختلف جهان آگاهیم، تضاد و ناسازگاری میان این دو، گویی نزد بعضی از خردمندان و اندیشمندان بزرگ بشری امری مسلم بوده است. کسانی نیز ضمن داشتن نظرگاهی همدلانه و نه خصمانه با زنان، بر این باور بوده‌اند که در کشاکش میان عقلانیت و احساسات، رفتار و نگرش زنانه بیشتر متأثر از عواطف و احساسات است و لذا آنان از دخالت در پاره‌ای از امور بازداشته شده‌اند. حال پرسش این است که اگر خلقت و صُنع الهی را مطابق با نظام احسن بدانیم و خداوند را احسن الخالقین تصور کنیم، آیا نقصان عقلیِ نیمی از آفریدگان خداوند با شأن آفرینش‌گری او در نظامی احسن پذیرفتنی است؟ قرآن کریم در داستان ملکه سبا - به شکلی جالب و شگفت‌انگیز - بر اقتدار، خردمندی، خیرخواهی و زیرکی زنان در مدیریت اجتماعی، صحنه نهاده و در دو آیه دیگر، دو الگوی سازنده برای همه مؤمنان، اعم از زن و مرد، را دو زن (مریم مقدس و آسیه همسر فرعون) معرفی کرده و همین آیات محکم، علاوه بر اینکه نشان‌دهنده نگرش و توجه مثبت این کتاب آسمانی به موضوع زن است، مفسر و مُبیین و معیار برای سنجش و ارزیابی دیگر نقل‌ها و روایات در این

خصوص، نیز است. جای شگفتی و تحسین دارد که در روزگار قدیم، که زن به مثابه موجودی ناقص و وابسته شناخته می‌شد، این کتاب سراسر نور، چنین بر خردمندی و توانمندی زنان تأکید کرده و با جرأت می‌توان گفت که اسلام عزیز و قرآن کریم پیش از هر مکتب و جنبشی و بیش از همه آنها، پیشتاز و پرچمدار حیثیت انسانی و شرافت زن و حقوق و امتیازات اوست و ما باید با دقت و مطابق اصول، به فهم درست آموزه‌های آن پردازیم.

اثر حاضر که به قلم اندیشمندانه سرکار خانم دکتر مریم صانع‌پور نوشته شده و بخشی از یک طرح بزرگ‌تر است، گامی ستودنی در این وادی مهم است. امیدواریم با توجه به خلا‌ها و کاستی‌های زیاد در این حوزه، این نوشته شروعی برای نوشته‌های محققانه دیگر توسط ایشان و دیگر اصحاب نظر و اندیشه باشد و حوزه مطالعاتی زنان و خانواده با تهیه و انتشار آثاری از این دست، به کمال و بالندگی خود نائل و همکاری‌های مشترک دو مؤسسه، وارد مرحله‌ای جدید شود.

در پایان، از حمایت‌ها و پیگیری‌های جناب آقای دکتر بهروز حدادی، برای چاپ این کتاب، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

بهمن ماه

۱۳۹۸

مقدمه

عقل، فصل ممیز انسان با سایر حیوانات، و وجه مشترک میان همه انسان‌ها است. به واسطه عقل امکان استدلال، تبیین و تدبیر امور، و در نتیجه رشد و پیشرفت جوامع انسانی فراهم شده است. اما معمولاً زنان به بهانه احساسات مادرانه و مهرآمیزشان به نقصان عقل متهم شده‌اند و روشن است که نقصان عقل را می‌توان به منزله نقصان انسانیت تلقی کرد. زنان در طول تاریخ با این بهانه از حوزه عمومی به حوزه خصوصی رانده شده‌اند و صدایشان در طراحی عقلانیت تمدن‌ساز جامعه بشری شنیده نشده است. در حالی که با یک استدلال ساده می‌توان گفت اگر احساسات مهرآمیز زنانه با عقلانیت در تعارض باشد، احساسات قهرآمیز مردانه نیز در تقابل با عقلانیت قرار می‌گیرد. پس چگونه مردانگی همواره منطبق با عقلانیت توصیف شده، و زنانگی غیرعقلانی معرفی شده است؟ اثر حاضر حاصل یک طرح پژوهشی است که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی انجام یافته و مقرر گردیده تا با مشارکت انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب منتشر شود. در این کتاب که اولین جلد از مجموعه چند جلدی *عقلانیت در روایتی زنانه* است، نسبت عقلانیت و زنانگی در نظریه‌های غربی مورد بررسی قرار می‌گیرد که این امر مستلزم پژوهش درباره چند مسئله است که عبارت‌اند از:

۱. پژوهش درباره نسبت عقلانیت و زنانگی در اسطوره‌های یونان باستان؛

۲. پژوهش درباره نسبت عقلانیت و زنانگی در فلسفه‌های یونان باستان؛

۳. پژوهش درباره نسبت عقلانیت و زنانگی در فلسفه‌های دوره روشنگری؛

۴. پژوهش درباره نسبت عقلانیت و زنانگی در تفاسیر مردسالارانه غربی از دین؛

۵. پژوهش درباره رویکردهای غیرجنسیتی غرب به عقل؛

۶. پژوهش درباره عقل در رویکردی زنانه‌نگرانه.

در این اثر، پژوهشگر اولین پرسش خود را به مبانی اسطوره‌ای یونان باستان عرضه می‌کند زیرا به قول ارنست کاسیرر تندیس‌های اسطوره‌ای هرگز نابود نشده‌اند بلکه در ساختن جهان نوین مشارکت داشته‌اند و اینک نیز در این جهان حضور دارند.^۱ دومین پرسش نگارنده به فلسفه یونان باستان عرضه می‌شود. سومین پرسش به چرایی عقل مذکر در دوره روشنگری غرب می‌پردازد، سپس با گذار از دوره مدرنیته، نظریات فمینیست‌ها را درباره جنسیت‌پذیری عقل مورد تحلیل قرار می‌دهد و سرانجام پژوهشگر با جمع‌بندی و نقادی نظریه‌های مزبور جلد اول از مجموعه عقل در روایتی زنانه را به پایان می‌برد؛ تا در جلد دوم عقلانیت در روایتی زنانه، گفتمان اسلام ایرانی را درمورد عقلانیت و زنانگی بررسی کند و سپس در جلد سوم عقلانیت در روایتی زنانه، تحت عنوان درآمدی بر عقلانی‌سازی عشق، نگارنده این مجموعه پژوهشی، گفتمان‌های غربی و اسلام ایرانی را به گفتگو می‌نشانند تا در

فضای فلسفه میان فرهنگی، ارتباطی تعاملی، همگرایانه و همافزایانه با یکدیگر برقرار کنند و پاسخ سؤالات مطرح شده در هریک از گفتمان‌ها را با استفاده از ظرفیت‌های گفتمان دیگر جستجو کنند تا زمینه‌های شکل‌گیری گفتمانی زنانه از عقلانیت فراهم شود؛ عقلانیتی که بر پایه ویژگی‌های مادرانه تعریف می‌شود که عبارت‌اند از: عشق، مراقبت، ایثار، دیگرخواهی، حیات‌بخشی، صلح‌طلبی، آرامش‌گستری و... بدیهی است که این عقلانیت قادر خواهد بود تمدنی انسانی را رقم زند که خشونت، دیگرسیزی، تبعیض، کشتار، برتری‌جویی، و منازعات خانمان‌سوز جهان کنونی در آن تمدن به حداقل برسد. گفتنی است روایتی زنانه از عقلانیت، مستلزم تک‌صدایی زنانه نیست بلکه تولدمحوری و ویژگی‌های مراقبتی مادرانه موجب خواهد شد تا صدای همه مردان نیز در جهانی بدون تبعیض‌های جنسیتی، نژادی، ملیتی، قومیتی، دینی، و فرهنگی شنیده شود و همه استعدادها به فعلیت برسند. در اثر حاضر، گفتمان زن‌ستیزانه غربی در اسطوره‌های یونانی ریشه‌یابی می‌شود زیرا اسطوره‌های یونان باستان مرد را مظهر اقتدار، تدبیر و صداقت معرفی کرده‌اند و زن را به‌عنوان مظهر غرایز، وسوسه‌گری و فریب مطرح کرده‌اند؛ همین دیدگاه در تفکر فلسفی یونان باستان وجود داشته و تا دوره روشنگری نیز ادامه پیدا کرده است تا جایی که ایمانوئل کانت به صراحت زنانگی را مترادف با احساسات، و مردانگی را مترادف با عقلانیت تعریف نموده و از این‌رو زنان را از ورود به جزیره عقلانیت عاجز دانسته است.

برخی دیگر از فیلسوفان غربی عقل را فاقد جنسیت معرفی کرده‌اند اما در این رویکرد نیز زنان مظهر جنسیت، غرایز و احساسات معرفی شده‌اند و در نتیجه از دایره عقلانیت خارج گشته‌اند و فقط مردان در این دایره باقی مانده‌اند. به هر حال این نگاه مردسالارانه موجب شده تا همه

شاخه‌های مربوط به حوزه عمومی یعنی اجتماع، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، تمدن، علوم تجربی و... قلمرو بلامنازع مردان تلقی، و زنان به حوزه خصوصی رانده شوند. در گفتمان زن‌ستیزانه مدرنیته غربی تفاسیری مردسالارانه نیز از الهیات و دین ارائه شده که مردان را اصلی و زنان را فرعی معرفی کرده‌اند. در سال‌های اخیر اما نظریه‌پردازان جنبش فمینیستی در اعتراض به مردسالاری حاکم بر اسطوره‌پردازی، فلسفه، الهیات، و شئون مختلف حیات جمعی انسان، به واکاوی مبانی نظری و عملی جامعه غربی همت گماشته‌اند و در این طریق، عقلانیت را، به‌عنوان شاخص‌ترین مؤلفه انسانیت و اساس جوامع انسانی، مورد بازاندیشی قرار داده‌اند. ایشان رابطه عواطف و احساسات با عقلانیت را موردبررسی و مذاقه قرار داده‌اند و به نتایجی رسیده‌اند که می‌تواند طرحی نو در عقلانیتی بیاندازد که اساس و بنای حیات و تمدن بشری است. در اثر حاضر دیدگاه‌های متنوع و متکثر فمینیست‌های غربی تحلیل و نقادی می‌شود؛ دیدگاه‌هایی که وجه اشتراکشان در اعتراض به تبعیض و ستم درمورد نیمی از جامعه بشری یعنی زنان است. اعتراض به اینکه مبانی فلسفی و عقلانی نظام‌سازی‌های مدرن، نیمی از انسان‌ها را از متن حیات بشری به حاشیه رانده‌اند و این امر حرکت رو به توسعه جوامع را به نصف تقلیل داده است. این اثر پژوهشی به دنبال دستیابی به راه‌حلی مناسب است تا عقلانیت به گونه‌ای عادلانه و ضد تبعیض تعریف شود تا نه تنها زمینه ستم‌های جنسیتی برطرف شود بلکه هیچ انسانی به بهانه نژاد، قومیت، ملیت، طبقه اجتماعی، دین، و فرهنگی خاص، فرعی و حاشیه‌ای تلقی نشود و مورد ستم قرار نگیرد.

روش پژوهش حاضر از قرار زیر است:

الف) تحلیل دیدگاه‌های غربی درمورد عقلانیت و زنانگی؛

ب) نقادی دیدگاه‌های غربی درمورد ارتباط زنانگی با عقلانیت به‌منظور

گزینش رویکردهای قوی و مستدل، و نیز نقض رویکردهای ضعیف؛
 ج) تعامل دیدگاه‌های مختلف، و استنتاج یک گفتمان تكثرگرا از
 دیدگاه‌های متفاوت؛ که در وجوه ضدتبعیض و عدالت‌طلبانه با یکدیگر
 اشتراک دارند.

هدف این پژوهش دستیابی به نکات مثبت دیدگاه‌های مختلف
 جهت بهره‌برداری در تدوین مراحل بعدی است تا بتوان درآمدی بر
 طراحی عقلانیت جدیدی ارائه کرد؛ عقلانیتی نوع‌دوستانه که در آن
 ویژگی‌های مادرانه زنان، نقشی تعیین‌کننده دارد تا زمینه شکل‌گیری
 تمدنی فراهم شود که برخلاف تمدن استعماری مدرن، ظلم و تبعیض
 ذاتی آن نباشد. علاوه بر نقش مهرورزانه زنان در طراحی چنین تمدنی،
 روشن است که حضور عقلانی زنان، به‌عنوان عقل نیمی از جمعیت
 انسانی در عرصه‌های عمومی موجب مضاعف شدن رشد و توسعه
 جوامع انسانی خواهد شد.

پرسش‌های این تحقیق عبارت‌اند از:

۱. منظور از عقل نظری و عقل عملی در مبانی فلسفی غربی چیست؟
۲. آیا جنسیت انسان در تعقل نظری وی دخالت دارد؟
۳. آیا جنسیت انسان در تعقل عملی وی دخالت دارد؟
۴. آیا عقل نظری یک فعلیت در وجود انسان است یا امری بالقوه
 است که می‌توان آن را به فعلیت رساند؟
۵. آیا عقل عملی یک فعلیت در وجود انسان است یا امری بالقوه
 است که می‌توان آن را به فعلیت رساند؟
۶. تعریف عقل غیرجنسیتی در تفکر غربی چیست؟
۷. تعریف عقل مردانه در تفکر غربی چیست؟
۸. تعریف عقل زنانه در تفکر غربی چیست؟
۹. پیامدهای عقل غیرجنسیتی در نظر و عمل غربی چیست؟

۱۰. پیامدهای عقل مردانه در نظر و عمل غربی چیست؟

۱۱. پیامدهای عقل زنانه در نظر و عمل غربی چیست؟

با وجود آنکه در طول تاریخ ریشه‌ای‌ترین مقوله جهت رشد و توسعه نظری و عملی جوامع انسانی مقوله عقلانیت بوده است اما برداشت‌های مختلفی از عقلانیت وجود دارد که این امر بازنگری عقل را به عنوان خاستگاه مؤلفه‌های تمدن جوامع انسانی ضرورت می‌بخشد. برخی عقل را منافی احساسات تعریف کرده‌اند که در صورت پذیرش این تعریف، احساسات قهرآمیز مردانه نیز به همان اندازه احساسات مهرآمیز زنانه، با عقلانیت تعارض خواهد داشت. بنابراین باید تحقیق کرد که آیا اصولاً دایره عقل، از احساسات جدا است یا عقل و احساس دو دایره متداخل هستند، چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «التودد نصف العقل»؛^۱ یعنی دوستی و محبت نیمی از عقل است که این تعریف با نگرش فیلسوفان یونان باستان و نیز نظریه پردازان دوره روشنگری منافات دارد. بنابراین تعریفی دوباره از عقل چه در معنای غربی و چه در معنای اسلام ایرانی، الزامی است؛ زیرا اگر به قول امام علی علیه السلام عقلانیت، ملازم با محبت و عشق باشد، دیگر نمی‌توان زنانگی را از عقل محروم دانست؛ بلکه عقل انسانی مستلزم عواطف زنانه خواهد بود. براین اساس زنان در طراحی و ساخت یک مدنیت عقلانی باید دوش به دوش مردان حضور داشته باشند؛ زیرا به حوزه خصوصی راندن مادران جامعه بشری، تمدنی خشن و خصمانه را شکل می‌دهد. چنانکه غیبت زنان از عقل مدرن عواقبی این گونه را به انسان کنونی تحمیل کرده است.

نظام‌سازی‌های مدرن در جوامع کنونی از جمله ایران عقلانیت انسان را بدون عواطف و احساسات محبت‌آمیز تعریف کرده و عقلانیتی عشق‌ستیز را

مبنای جوامع انسانی قرار داده است. عقلانیت دورهٔ روشنگری به علت تعارض مبنایی‌اش با عشق و ملاحظت، بینش‌ها، منش‌ها و روش‌های عقلانی را فاقد عواطف انسانی معرفی کرده و این قرائت از عقل به‌مرور در جامعه بشری نهادینه شده است. از این‌رو جهانی آکنده از جنگ و نزاع، آدمیان را احاطه کرده که برای مهار کردن این همه خشونت و دیگرسیزی سازمان‌های زیادی تأسیس شده‌اند که کارآیی چندانی ندارند زیرا خانه از پای‌بست ویران است/ خواجه در بند نقش ایوان است. هرگاه رحمت و مهربانی از میان برخیزد، غضب و دشمنی جای آن را پُر می‌کند. بنابراین به‌نظر می‌رسد بازتعریفی از عقل لازم باشد تا عقلانیت با عواطف زنانه مانند رحمت، مهربانی و صلح‌طلبی در تضاد قرار نگیرد و شاید طرحی نو در انداخته شود که عقل مهرآمیز را در حوزه‌های مختلف حیات بشری نهادینه کند.

بنابراین در پژوهش حاضر با تمرکز بر نظریه‌های فیلسوفان فمینیست غربی، زمینه‌های حضور زنان در تصمیم‌سازی‌های کلان تحلیل و جمع‌بندی می‌شود تا نیمی از انسان‌ها به بهانهٔ غیرعقلانی بودن از این حوزه‌ها دور نگه داشته نشوند. و نیز راهکارهای نظری اندیشمندان غربی جهت تلطیف عقلانیت خشک حاکم بر جوامع ارائه خواهند شد.

مریم صانع‌پور

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فصل اول:

نسبت عقل و جنسیت در نگاه
اسطوره پردازان و فیلسوفان یونان باستان

۱. اسطوره‌های یونان باستان

در جوامع مختلف به رغم دگرگونی‌های تدریجی شکل و قالب اجتماعی، اصولی ثابت وجود دارد که در اسطوره‌های باستانی آن جوامع شکل گرفته‌اند؛ زیرا تمدن امری خلق‌الساعه نیست بلکه مبتنی بر پیشینه‌هایی است که در سیر تکاملی هر جامعه‌ای شکل گرفته‌اند. اولین پدیدارهای فرهنگی جوامع بشری افسانه‌هایی هستند که به شکل نظم یا نثر در میراث جوامع مختلف موجودند. به عنوان مثال، اسطوره‌شناسان، نخستین میراث‌های فرهنگی غرب را در اسطوره‌های *ایلیاد* و *ادیسه* اثر هومر یونانی (حدود هشتصد سال قبل از میلاد) جستجو می‌کنند. ایشان همچنین از افسانه کارها و روزها و نیز نسب *نامه خدا/یان* اثر هزیود یونانی (حدود هفتصد سال قبل از میلاد) به عنوان گنجینه‌های کهن باستانی غرب یاد می‌کنند؛^۱ اسطوره‌هایی که در ناخودآگاه جمعی جوامع غربی حضور دارند و حیات فرهنگی ایشان را در ابعاد گوناگون شکل می‌دهند. کارل یونگ بنیان‌گذار سوئیسی روان‌شناسی تحلیلی، انسان را پدیده‌ای تاریخ‌مند معرفی می‌کند که مراحل قبلی توسعه روان جمعی‌اش را در ناخودآگاه خود حفظ کرده است. وی معتقد است میراث مشترک روان‌شناختی انسانی به دوران باستان برمی‌گردد و در نتیجه افسانه‌های

1. Hamilton, 1969: 21-22.

یونان باستان برای شهروند متجدد اروپایی، دارای جایگاهی فرازمانی و فرامکانی هستند.^۱ ژوزف کمپل اسطوره‌شناس آمریکایی نیز تأثیرات ناخودآگاه افسانه‌های باستانی در روان جمعی فرهنگ‌ها را بسیار مهم می‌داند و قائل به چرخش اسطوره‌شناسی طبیعی-زیست‌شناختی به سمت اسطوره‌شناسی فرهنگی-تاریخی است. وی تأکید فراوانی به اهمیت این امر در بررسی جوامع کنونی دارد.^۲ براساس این نظریه، مردسالاری اولین اسطوره‌های یونانی مانند افسانه‌های خدایان و ایزدبانوان طبیعت‌گرایانه که زئوس را خدای مذكر آسمان و هکات را خدای تاریکی‌های زمینی معرفی می‌کند، در شکل‌گیری اسطوره‌های مردسالارانه فرهنگی - تاریخی غرب مؤثر بوده است و سپس در سیر تمدن غربی، این رویکرد مردسالارانه تا فلسفه‌های یونانی ادامه یافته است و باورهای افسانه‌ای به استدلال‌های فلسفی منتقل شده‌اند و اساس عقلانیت غربی را شکل داده‌اند. بنابراین مطالعه افسانه‌های کهن جوامع گوناگون موجب آگاهی به باورهای متعارف و طبایع فردی-اجتماعی آن جوامع می‌شود و زمینه پژوهش درمورد تسری این امور فراتاریخی به تمدن‌های بعدی آن جوامع را فراهم می‌کند. به‌گونه‌ای که تأثیرپذیری فرهنگ ملل از باورهای اجداد باستانی‌شان در ناخودآگاه جمعی ایشان هم در فهم عرفی ایشان و هم در مآثر ادبی ملل مختلف قابل بررسی است. توماس مان رمان‌نویس و منتقد اجتماعی آلمانی، اسطوره‌های یونان باستان را مبنای عالم مدرن غربی معرفی می‌کند و معتقد است مدرنیته در هماهنگی کاملی با افسانه‌های کهن یونانی قرار دارد. ازاین‌رو می‌توان جوهره انسانیت غربی را در اسطوره‌هایش جستجو کرد.^۳

1. Jung, 1964: 107.

2. Campbell, 1972: 5-7.

3. Hollwack, 2006.

۱-۱. اسطوره آفرینش

اسطوره‌پردازان یونانی آفرینش عالم را مقدمه آفرینش خدایان معرفی می‌کنند. ایشان به مناسبت دریافتی که از طبیعت داشتند افسانه‌هایی را شکل می‌دادند. هزیود در اسطوره‌هایش از آفرینش چنین حکایت می‌کند که پس از تولد زمین، اورانوس یعنی آسمان، گایا یعنی زمین را بارور کرد و از آمیزش آسمان و زمین تیتان‌ها متولد شدند که عبارت از شش زن و شش مرد بودند.^۱ ملاحظه می‌شود در افسانه‌های یونانی، آسمان نورانی، متعالی و فیاض که جایگاه خدایان است امری مردانه تصویر شده و زمین کدر، پست و منفعل که جایگاه دیوان و ددان است امری زنانه ترسیم شده است. در اسطوره‌های آفرینش از تولد زئوس یعنی خدای آسمان‌ها سخن گفته شده که او نیز خدایی مذکر است و هرمس نیز به‌عنوان پیام‌آور خدایان، دارای جنس مردانه توصیف شده است. هامیلتون می‌نویسد:

در افسانه آفرینش انسان بر روی زمین، چنین حکایت شده است که در عصر طلایی، جهان بسیار شاد و سرشار از آرامش بود، زیرا فقط مردان در جهان می‌زیستند. اما زئوس خدای خدایان، پرومته را به جرم ربودن آتش از قلمرو خدایان مجازات کرد و موجودی مانند مردان اما از جنسی دیگر را به نام پاندورا که زیبا اما شرور بود به پرومته هدیه کرد تا منبع بدبختی‌ها و گرفتاری‌های انسان باشد.^۲

در این افسانه زنان ذاتاً شرور، منشاء شرارت و موجب نزاع و مخاصمه تصویر شده‌اند؛ اما از مردان به‌عنوان موجوداتی ذاتاً خیرخواه، منشاء خیر و موجب صلح و دوستی حکایت شده است. هاردینگ معتقد است در این داستان‌ها زنان عموماً موجوداتی احساسی، غریزی و غیرعقلانی

1. Hesiod: 713.

2. Hamilton, 1969: 73.

معرفی می‌شوند که مردان را به ابتذال و زشتی سوق می‌دهند اما مردانِ اسطوره‌ای با قدرت جسمانی و عقلانی‌شان، زنان فاقد قدرت جسمی و عقلی را از اسارت نجات می‌دهند.^۱ این اسطوره‌ها غالباً از شرارت‌های زنانه حکایت می‌کنند و اگر استثنائاً در برخی افسانه‌ها از زنان خردمندی چون هلنا و پنلوپه سخن گفته می‌شود، این زنان فاقد نقش اجتماعی هستند و شایستگی‌هایشان فقط در نقشی خانگی تعریف می‌شود. برای مثال، ایشان به علت پاک‌دامنی و هوشیاریشان در اداره امور خانه تحسین می‌شدند.^۲

زن در اسطوره‌های یونانی، خواه در قالب ایزدبانوان یا نیمه ایزدان و خواه در قالب انسان‌های مؤنث، همواره موجودی تبعی و ثانوی بوده است. در این افسانه‌ها آته ایزدبانوی نادانی است که هرگز تربیت، پند و اندرز در رفع گنگی و غیرعقلانی بودنش تأثیری ندارد. در اسطوره‌های یونانی، اندیشه‌ها و آرزوهای اسطوره‌پردازان به صورت نیروهایی خدایی مجسم شده‌اند که خیرخواه انسان‌ها هستند؛ اما این نیروهای مثبت همواره از نیروی منفی و شرارت‌بار آته بادپا عقب می‌ماندند؛ هرچند سرانجام زیان‌های آته را جبران می‌کردند.^۳

۲-۱. اسطوره خدایان

یکی از زمینه‌های نقادانه فیلسوفان زنانه‌نگر معاصر رویکرد جنسیتی اسطوره‌های خدایان در یونان باستان است. در این افسانه‌ها خدایان مذکر، قدرتمند و دارای نقش‌های اصلی بوده‌اند اما خدایان مؤنث یا ایزدبانوان، ضعیف، فرعی و تبعی معرفی شده‌اند. برای مثال، افسانه ایلپاد حکایت می‌کند که زئوس، ایزد ایزدان،

1. Harding, 1955: 5.

۲. یگر، ۱۳۷۶: ۶۶-۶۴.

۳. همان: ۷۱.